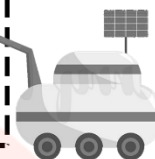


## درس دوازدهم بحران‌های معرفتی و معنوی



ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... رخ می‌دهند و سپس چالش‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و ... ظاهر می‌شوند.

چالش‌ها همگی از عمق فرهنگ غرب برمی‌خیزند و علت این چالش‌ها درونی است و غرب نمی‌تواند آن را به دیگران نسبت بدهد.

بحران‌های معرفتی و معنوی به لایه عمیق اختصاص دارند.



### بحران معرفتی

در فرهنگ قرون وسطی : معتبرترین راه شناخت کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا (شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شود).

در دوران رنسانس : روشی که در قرون وسطی مورد استفاده قرار می‌گرفت، مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید. (جهان غرب برای برون رفت از این بحران وحی و شهود را در شناخت نادیده گرفت و تنها به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد)

قرن ۱۹ و ۲۰ : شناخت عقلی بیش از دو سده دوام نیاورد/ در این دوره شناخت حسی و تجربی را تنها راه شناخت علمی می‌دانستند.

## ابعاد بحران معرفتی - علمی

### ۱. افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پست مدرن

استقلال معرفت علمی - تجربی مخدوش شد و هویت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گرفت / تردید در هویت معرفت شناختی جهان مدرن / دانشمندانی را که که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کرده اند پسامدرن می خوانند زیرا از اصول جهان مدرن عبور کرده اند.

### ۲. ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن

فرهنگی که توان معرفتی لازم برای دفاع از ابعاد گسترده اقتصادی و سیاسی خویش را نداشته باشد، به حیوان فرتوتی می ماند که با وجود جثه عظیم خود، زمین گیر و آسیب پذیر شده است.

دوره	ویژگی	پیامد
قرن ۱۹	جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند تا دریاره حقایقی که پیامبران از طریق وحی و یا عالمان با استدلال‌های عقلی به آنها رسیده بودند با روش حسی و تجربی داوری کنند.	دانشمند غربی معتقد بودند آگاهی‌ها و علوم جوامع دیگر غیر علمی است / غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیر غربی القا می کرد؛ پیروی از از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت است.
نیمه اول قرن ۲۰	محدودیت‌های علمی دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت‌های غیر حسی و غیر تجربی آشکار شد. (آغاز یک بحران معرفتی)	علم تجربی از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.
نیمه دوم قرن ۲۰	علم تجربی دارای مبانی غیر تجربی است / علم مدرن زیر سوال رفت	عجم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت تردید درباره بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی

لایه‌های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود.

## بحران معنویت

در فرهنگ مدرن سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد ← در این فرهنگ گرایش‌ها و رفتارهای دینی با توجیه دنیوی امکان مطرح شدن دارند.

سکولاریسم در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر شد / اما فرهنگ عمومی جامعه غربی آن هم در محدوده زندگی خصوصی همچنان دینی باقی ماند.

سال‌های پایانی قرن ۲۰ نگاه معنوی و دینی مجدداً به سطح زندگی انسان‌ها بازگشت : (۱) نشانه‌های بحران معنویت (۲) افول سکولاریسم یا پساکولاریسم.

مهم‌ترین علت تداوم باورهای معنوی و دینی در زندگی انسان نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی است / یک فرهنگ علاوه بر نیازهای جسمانی و دنیوی باید پاسخگوی نیازهای معنوی و قدسی نیز باشد.

چالش‌های معنوی، اخلاقی و عاطفی، چالش‌های برخاسته از عمق فرهنگ غرب هستند.

بی توجهی به ابعاد دنیوی به بهانه رویکرد معنوی

بحران ← غفلت از ابعاد معنوی به بهانه رویکرد دنیوی

فرهنگ غرب در قرن ۲۰ با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی به ← پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

پیامدهای افول سکولاریسم / پساکولاریسم (گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی):

(۱) برخی از نخبگان جهان غرب را به جست و جوی سنت‌های قدسی و دینی واداشت.

(۲) مهاجران ساکن کشورهای غربی را به سوی هویت دینی خود فراخواند.

(۳) بازار معنویت‌های کاذب و دورغین را رونق بخشید. (وقتی سکه‌ای رواج پیدا می‌کند بدل‌سازی آن نیز رواج پیدا می‌کند.